

شهری شدن سوئیس^۱

کریستین اشمید

برگردان: میلاد دوستوندی

نقطه‌ی آغاز در تحلیل اشکال شهری شدنِ معاصر در سوئیس یک مشاهده‌ی اساسی است: این‌که شهرهای این کشور هنوز نسبتاً کوچک‌اند. کشور سوئیس دارای یک ساختار شهری بر اساس شهرهای کوچک و شهری شدن فوق‌العاده غیرمتمرکز است. در این کشور، حتی بزرگ‌ترین تجمعات به‌ندرت از مرز یک میلیون ساکن فراتر می‌رود. این نوع شهری شدن، دو وضعیت اساسی مرتبط به هم را نشان می‌دهد: خودگردانی کمون‌های هلوتیایی^۲ (سوئیسی) و سابقه‌ی طولانی صنعتی شدن غیرمتمرکز.

اگر ما تصویر کنونی سکونت‌گاه‌ها در سوئیس را بررسی کنیم، تنها یک واحد سرزمینی مشخص وجود دارد که از لحاظ ساختاری دارای تأثیرات مهمی است: کمون (شکل ۱). به‌طوری‌که در قیاس با آن مرزهای ملی و ایالتی بسیار کم رنگ شده‌اند. کل کشور به‌واسطه‌ی این شکل از فدرالیسم سوئیسی از ساختار سرزمینی سلولی و درهم‌تنیده تشکیل شده است. تقریباً همه‌ی کمون‌ها در سوئیس (حدود ۳ هزار مورد)، از دهکده‌های^۳ کوچک با چند ساکن گرفته تا کمون‌های شهری با چند صد هزار ساکن، همگی دارای حقوق مشابهی هستند و به‌صورت حیرت‌انگیزی از حاکمیتی [خودگردان] غیرقابل تصویری به‌ویژه در عرصه‌ی برنامه‌ریزی برخوردارند [۱].



شکل ۱: سکونتگاه‌ها و مرزهای کمون‌ها در سوئیس^۴

وضعیت اساسی دوم، صنعتی شدن غیرمتمرکز است. در کشور سوئیس همانند بسیاری دیگر از مناطق اروپای غربی، صنعتی شدن در حومه‌ی شهرها و نه شهرها شروع شد. نیروی کار و نیروی آبی به عنوان منابع انرژی به‌اندازه کافی وجود داشتند؛ از سوی دیگر

^۱ این متن برگردانی از مقاله‌ای با مشخصات زیر است:

Schmid, Christian (2014): the urbanization of Switzerland, in *Implosions/Explosions: Towards a Study of Planetary Urbanization*, by Neil Brenner, Berlin, Jovis, pp. 268-275

^۲ Helvetian

^۳ hamlet

^۴ - Roger Diener, Jacques Herzog, Marcel Meili, Pierre de Meuron, and Christian Schmid, *Switzerland—An Urban Portrait*, Volume 3 (Basel: Birkhäuser, 2006) 177.

نخبگان صاحب قدرت در شهرها از دیرباز صنعتی شدن در درون دیوارهای شهر را منع کرده بودند. حتی تا همین اواخر رژیم قدیم شهرها هنوز هم بسیار کوچک بودند و پراکنش آنها در منطقه از یک الگوی درهم تنیده خبر می داد. در سال ۱۷۹۸ تنها ژنو بود که با حدود ۲۵۰۰۰ نفر جمعیت به اندازه‌ی قابل توجهی رسید. همه شهرهای دیگر جمعیتی کمتر از ۱۵ هزار نفر داشتند [۲].

این واقعیت به خودی خود نه عجیب است و نه منحصر به فرد. شرایط مشابهی در آن زمان در بسیاری از مناطق حاکم بود. با این حال آنچه غیرمعمولی است این ساختار غیرمتمرکز پیس از انقلاب صنعتی و تأسیس دولت-ملت باقی ماند و هنوز هم در انتهای قرن بیستم از وجوه مشخصه‌ی سوییس است.

شهری شدن غیرمتمرکز

رشد جمعیت به خوبی روند شهری شدن را در ۱۵۰ سال اخیر نشان می دهد. در این میان الگوهای تاریخی مختلف و متفاوت شهری-شدن را می توان مشاهده کرد که با وضوح حیرت انگیزی با مراحل توسعه صنعتی همخوانی دارند. در ادامه به بازسازی و تحلیل فرآیند شهری شدن سوئیس می پردازم. این بازسازی از دوره بندی ای استفاده می کند که به عنوان بخشی از رویکرد تنظیمی ایجاد شده بود [۳].

مدل توسعه‌ی لیبرالی

صنعتی شدن اولیه در سوئیس به شکل گیری سه منطقه صنعتی منجر شد: شمال شرقی سوئیس با صنعت نساجی خود که بعدها به صنعت ماشین و مرکز بانکداری زوریخ^۱ بدل شد؛ شمال غربی سوئیس که در آن صنعت نساجی از خلال صنعت رنگرزی به صنایع شیمیایی و بعدها صنایع دارویی بدل گردید و رشته کوه ژورا^۲ در جنوب شرق سوئیس که دارای صنعت ساعت سازی است (شکل ۲).

ساختار شهری غیرمتمرکز تنها اندکی از طریق انقلاب صنعتی دچار دگرگونی شد. تقریباً در اواسط قرن نوزدهم، فرایند گسترده شهری شدن، سوئیس و سایر کشورها را تحت تأثیر قرار داد. مرزهای شهری (دیوارها و قلعه‌ها) نابود شدند و شهرها در حومه‌های باز گسترش یافتند. زوریخ، بازل^۳ و وینترهار^۴ به مراکز صنعتی مهمی بدل شدند. با این حال در بسیاری از مناطق رشد صنعتی تابع الگوی غیرمتمرکز صنعتی شدن اولیه بود: مناطق صنعتی در ژورا و شرق سوئیس و نیز در والایس^۵ و مناطق مرکزی سوئیس همگی از شهر (تاوان) های کوچک تشکیل می شدند. نخستین مراکز توریستی در بخش هایی از آلپ شکل گرفتند که به راحتی قابل دسترسی بودند. همزمان، مهاجرت جمعی از بخش های وسیعی از روستاهای سوئیس به ویژه از آلپ مرکزی و نوار پهن فلات سوئیس (شامل تقریباً همه مناطق روستایی در کانتون های آرگو^۶ و لوسرن^۷) رخ داد. مرحله‌ی بین سال های ۱۸۵۰ و ۱۸۹۰ نشان دهنده‌ی الگوی نوعی غیرمتمرکز شهری شدن بود. چند شهر صنعتی بزرگتر در این چشم انداز صنعتی شکل گرفت اما در قیاس با شهرهای واقع در اکثر قسمت های دیگر اروپا بسیار کوچک بودند.

^۱- Zurich

^۲-Jura

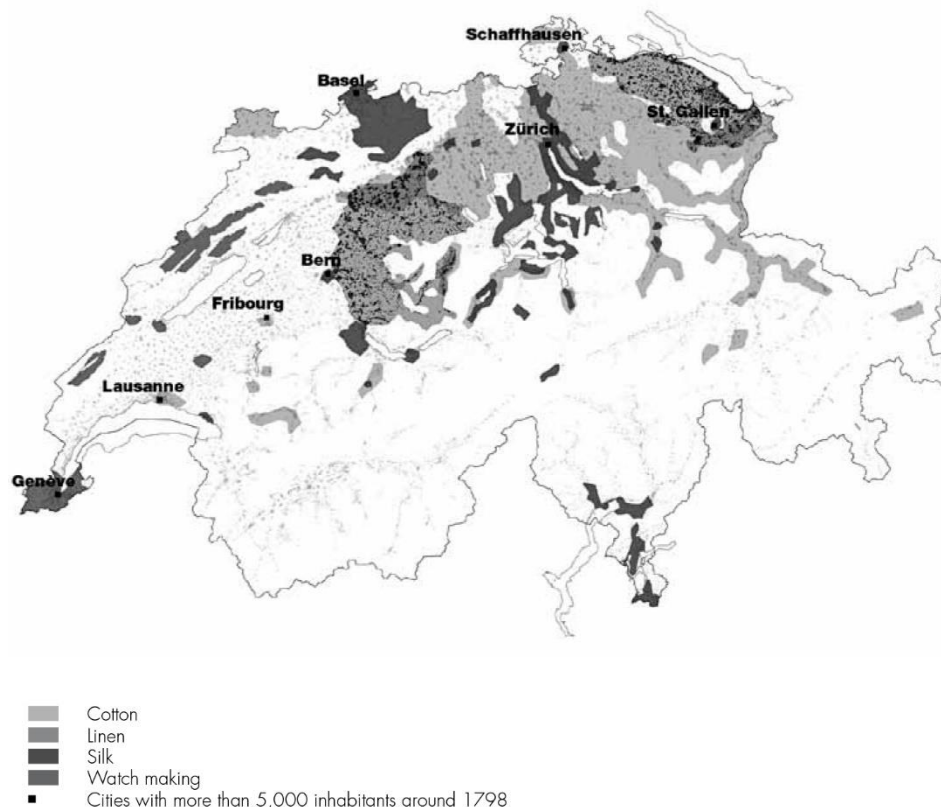
^۳-Basel

^۴-Winterthur

^۵-Valais

^۶-Aargau

^۷- Lucerne



شکل ۲: صنعتی شدن و شهری شدن در اواخر قرن هجدهم^۱

مدل توسعه‌ی تیلوریستی

بین سال‌های ۱۸۹۰ و ۱۹۳۰ در طول مرحله‌ی تیلوریستی توسعه، فرم غیرمتمرکز شهری شدن برجسته شد. ویژگی بارز این مرحله، گذار به یک مدل صنعتی شدن شدید و فن‌آوری محور بود. در سوئیس صنایع ماشینی و ساعت و نیز صنعت مواد شیمیایی به تدریج جای صنعت نساجی را گرفتند. با این حال رشد صنعتی در طول این مرحله هم چنان به سمت حالت غیرمتمرکز پیش رفت. در شرق سوئیس و در مسیر پای‌کوه‌های جنوبی رشته‌کوه ژورا کمرندهای شهری صنعتی شکل گرفتند که در کمر بند ممتدی از سنت گالن^۲ به بی‌یل^۳ مدغم شد. چنین الگوی شهری شدن پراکنده‌ای هم‌چنین به ویژگی بارز ژورای شمالی، والایس و مرکز سوئیس بدل شد.

تنها چند شهر به شهرهای بزرگ تبدیل شدند. در این موارد رشد جمعیت بیش از پیش حومه‌های اطراف را تحت تأثیر خود قرار داد. با ادغام شدن کمون‌های مجاور، شهرها رشد کردند اما آن‌ها هم‌چنان کوچک‌تر از شهرهای خارج از سوئیس بودند. تنها چهار شهر زوریخ، بازل، ژنو و برن در سال ۱۹۳۰ جمعیتی بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر داشتند. در چندین منطقه‌ی آلپ، به‌ویژه در مناطق کلسترز

^۱ - Beatrix Mesmer ed. Geschichte der Schweiz – und der Schweizer, volume 2 (Basel: Helbing & Lichtenhahn, 1982) 111; and Walter, La Suisse urbaine, 52.

^۲- St. Gallen

^۳- Biel

داس^۱، دره انگادین^۲، والایس جنوبی و مرکز سوئیس میزان توریسم افزایش یافت. حال دیگر مهاجرت صرفاً به نواحی کوچک‌تر در آلپ و چند منطقه‌ی صنعتی‌شده فلات سوئیس محدود شده بود و تنها مهاجرت قابل‌توجه در دره‌های حاشیه‌ی جنوبی آلپ قابل مشاهده بود؛ بنابراین تصویر کلی، الگوی یک‌دست و غیرمتمرکز شهری‌شدن است. در آستانه‌ی جنگ جهانی دوم تقریباً کل سوئیس که فاقد هرگونه حاشیه‌نشینی قابل توجه و البته هرگونه شهر واقعاً بزرگ بود، صنعتی شد.

مدل توسعه‌ی فوردیستی

پس از جنگ جهانی دوم، سوئیس هم‌چون ملل صنعتی‌شده‌ی غربی یک مدل توسعه‌ی فوردیستی را اتخاذ کرد. این کشور مبنایی برای معجزه اقتصادی پایدار در دوره‌ی پس از جنگ شکل داد. مدل فوردیستی اساساً مبتنی بر ترکیب تولید انبوه با مصرف انبوه، توسعه دولت رفاه و افزایش مداخله دولت در توسعه اقتصادی (کینزیسم) بود. سوئیس نوع خاصی از فوردیسم را توسعه داد که با مدل کلاسیک از چند جنبه تفاوت داشت. فوردیسم سوئیسی تنها اندکی مبتنی بر تولید انبوه بود. صنعت سوئیس در عوض به طرز فزاینده به سمت تخصصی کردن کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی کاربر، با کیفیت و به لحاظ تکنولوژیکی پیشرفته حرکت کرد که توسط شرکت‌های کوچک و متوسط با تعداد زیادی کارگر ماهر تولید می‌شدند. این مسئله منجر به رشد صنعتی گسترده‌ای شد که در آن اکثر شرکت‌ها در مکان موجود خود گسترش یافتند.

از این رو ساختار صنعتی پایه و غیرمتمرکز سوئیس حتی در مرحله‌ی توسعه‌ی فوردیستی هم عمدتاً حفظ شد و شهری‌شدن نواری‌شکل در شرق سوئیس و در طول قسمت‌های جنوبی کوه‌های ژورا رشد بیشتری کرد. با این حال همزمان با فرآیند تمرکز فضایی شامل پنج شهر بزرگ زوریخ، بازل، ژنو، برن و لوزانو تبدیل آن‌ها به مراکز شهری و سایت‌های اختصاصی برای بخش خدماتی، این روند تکامل یافت. در اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰ جمعیت اکثر شهرهای بزرگ به اوج خود رسیده بود و کمربندهای حومه‌ی شهر به‌طور فزاینده‌ای رشد یافتند. با این حال کمون‌ها دیگر با هم ادغام نشدند و بنا بر جهت‌گیری فدرالیستی‌شان در مقابل تلاش‌های این‌چنینی با تمام توان مقاومت کردند. این مسئله منجر به [شکل‌گیری] فرآیند شهری‌شدن حومه شد که تجمعاتی را با الگوهای نوعی هم‌مرکز شکل داد.

تصویر کلی اینک نشان‌دهنده‌ی ویژگی شگفت‌انگیزی است که در بحث‌های مطرح‌شده در آن زمان مورد چشم‌پوشی قرار گرفت. این ویژگی شامل دو گرایش متمایز توسعه بود - رشد صنعتی گسترده و غیرمتمرکز و شکل‌گیری مراکز شهری - که با هم همپوشی یافتند و منجر به شکل‌گیری جوامع متمرکز پراکنده شدند. این ویژگی به‌ویژه در زوریخ و نیز در بازل، دریاچه ژنو و نواحی اطراف بون وجود داشت و مناطق رشد گسترش یافتند. در مقابل، نواحی وسیع و پیوسته غیرمهاجرتی در آلپ مرکزی و نیز سه ناحیه روستایی فلات سوئیس و نواحی پایین‌دست آلپ (شرق سوئیس، اطراف کوه ناپف^۳، بین فیبورگ^۴ و لوزان^۵) وجود داشت. امروزه این نواحی «زون‌های آرام» [۴] کشور می‌باشند. علی‌رغم چنین رویه‌های متمرکزی، ساختار اساسی سرزمینی در سوئیس هم چنان برای بیش از یک قرن باقی ماند. در اواخر سال ۱۹۷۰، سوئیس هنوز به‌عنوان کشوری صنعتی با ساختار شهری غیرمتمرکز حفظ شد (شکل ۳).

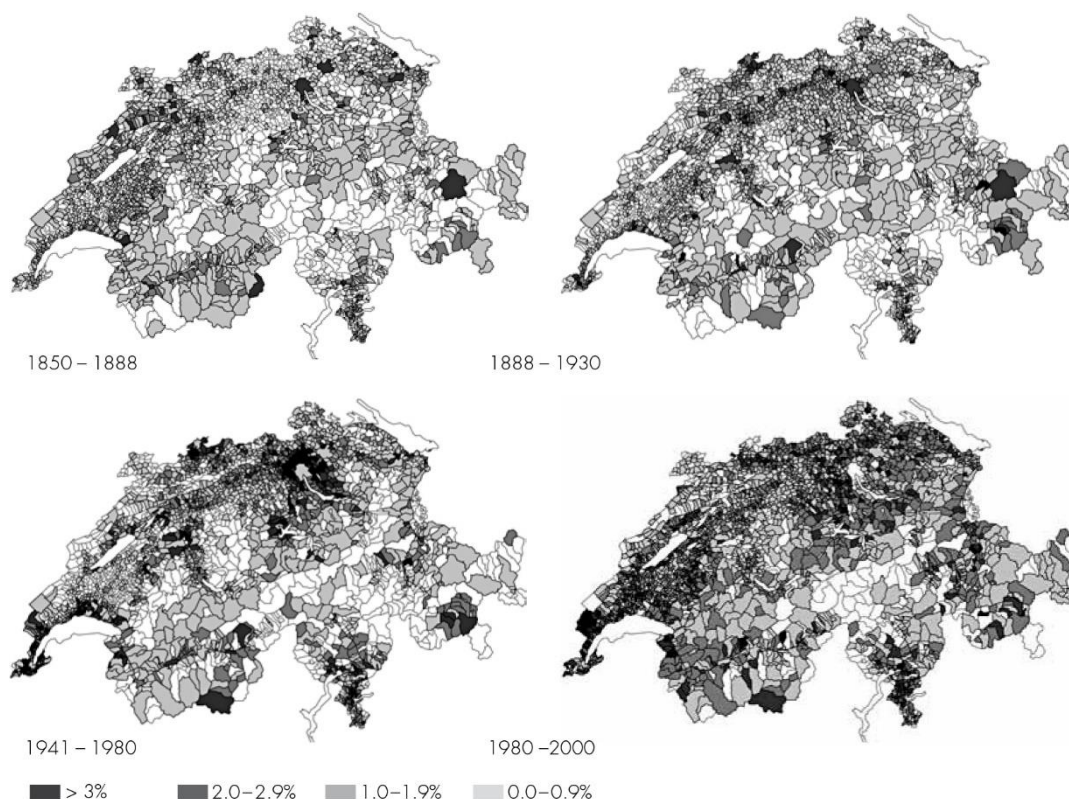
^۱-Klosters-Davos

^۲-Engadine Valley

^۳-Napf

^۴-Fribourg

^۵-Lausanne



شکل ۳: متوسط افزایش سالانه جمعیت^۱

یک سوئیس کاملاً شهری شده

در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ الگوی غیرمتمرکز توسعه به تدریج دست‌خوش تغییر و تحولات بنیادینی شد. پیش‌تر اکثر مناطق شهری به صورت هم‌مرکز حول یک شهر هسته‌ای شکل گرفته بودند؛ اما از دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد، شهری‌شدن دربرگیرنده‌ی الگوهای چندمرکزی بسیار پیچیده و حتی اشکال جدید شهری‌شدن حاشیه‌ای بود.

در دهه‌ی ۱۹۷۰ مدل فوردیستی تقریباً در تمامی کشورهای صنعتی غرب دچار بحران شد و در طی دهه‌ی ۱۹۸۰، یک مدل پسافوردیستی یا لیبرال-پروداکتویستی^۲ جدید متبلور شد [۵] که ممکن است با اهدافی هم‌چون انعطاف‌پذیری، مقررات‌زدایی و جهانی‌شدن مشخص شود. برخلاف مدل صلب و به‌شدت منظم فوردیستی ویژگی بارز مدل پسافوردیستی یا لیبرال پروداکتویستی جدید، سیالیت چشمگیر فرآیندهای تولید، بازارهای کار، سازمان‌دهی مالی، الگوهای مصرف و نیز حجم نسبتاً بالایی از ناهمگونی و ازهم‌گسیختگی اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی است.

کشور سوئیس به‌شدت از این تغییرات ضربه خورد. با شروع بحران اقتصادی و آغاز جهانی‌شدن محدودیت‌های مدل توسعه‌ی سوئسی در اوایل دهه‌ی هفتاد میلادی به‌شدت افزایش یافت و به بازسازی رادیکال چشم‌انداز صنعتی منجر شد. تقریباً همه‌ی بخش‌های صنعتی یک‌به‌یک با بحران عمیقی مواجه شدند و ابتدا این بحران دامن‌گیر صنعت نساجی در شرق سوئیس و سپس صنعت ساعت‌سازی در ژورا گردید. پس از آن صنایع ماشینی و فلزی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ دچار رکود شدند. هیچ کشور صنعتی غربی

^۱ - Swiss Federal Statistical Office, Federal Population Census, 1850-2000, Neuchâtel.

^۲ liberal-productivist

تاکنون چنین رکود اقتصادی شدیدی را تجربه نکرده بود و فقط تعداد انگشت شماری از آن‌ها توانستند به رشد اقتصادی ضعیف‌تری در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ برسند.

در این مرحله‌ی جدید توسعه‌ی لیبرال-پروداکتویستی بخش‌های مختلف اقتصاد راهبردهای مختلفی را دنبال کردند. درحالی‌که شرکت‌های صنعتی کوچک و متوسط حتی علی‌رغم اقدامات بازسازی-محور جدی موفقیت محدودی در حفظ رقابت‌پذیری بین‌المللی خود داشتند؛ چندین شرکت صنعتی بزرگ توانستند موقعیت ملی و بین‌المللی خود را با دنبال کردن راهبرد چند ملیت‌گرایی به صورت قابل توجهی ارتقا دهند. آن‌ها درصد بالایی از تولیدات خود در خارج از کشور را به جایی که هزینه‌ها کمتر بود، منتقل کردند و کارکردهای حیاتی و ماهرانه‌ی شرکت (مدیریت، بازاریابی، پژوهش و توسعه) را در سطحی ثابت حفظ کردند. صنعت بانکداری نیز توسعه یافت و به لطف مزیت خاص موقعیت خود سوئیس (بی‌طرفی، آرامش نیروی کار، سیاست‌های اقتصادی سازگار با کسب و کار، بانکداری محرمانه، ثبات اجتماعی و سیاسی و ارز قوی) توانست بیش از هر چیزی از رشد سیستم مالی جهانی منتفع شود.

این بازسازی اقتصادی موجب تغییرات بنیادین در اقتصاد سوئیسی شد و نهایتاً به شکل‌گیری یک مدل توسعه جدید منجر گردید. از یک سو مشاغل تخصصی صنعتی کمتری کاهش یافتند و یا به خارج از کشور منتقل شدند و از سوی دیگر اهمیت فعالیت‌های حیاتی اقتصادی و تعداد مشاغل با مهارت بالا هم افزایش یافت. به طوری که در سوئیس یک «اقتصاد هدکوارتری»^۱ تخصصی در سازمان‌دهی فرآیندهای تولید فراملیتی و کنترل چرخه‌ی سرمایه جهانی شکل گرفت.

در نتیجه‌ی چنین توسعه‌ای مجموعه‌های تخصصی تولید منطقه‌ای اقتصاد هدکوارتر به تدریج در مناطق کلان‌شهری خاص شکل گرفته و همگرا شدند که از جمله مهم‌ترین موارد می‌توان به سیستم مالی جهانی در زوریخ، خدمات تخصصی مالی در ژنو و صنایع شیمیایی و دارویی در بازل اشاره کرد. در مقابل، بخش‌های صنعتی دیگر مثل بخش‌های دارای فناوری پیشرفته هم‌چنان به سمت تمرکززدایی حرکت کردند [۶].

تجزیه و تحلیل الگوهای معاصر ارزش افزوده ناخالص و بهره‌وری نیروی کار، قطبیت آشکار در بخش‌های اصلی اقتصادی سوئیس را نشان می‌دهد. از یک سو خدمات مالی و صنایع دارویی/شیمیایی در سال ۱۹۹۸ بیش از ۲۰۰ هزار فرانک سوئیس به ازای هر شغل تولید داشتند که از سال ۱۹۸۰ افزایش بیش از ۲۵ درصدی بهره‌وری نیروی کار را نشان می‌دهد. از سوی دیگر کشاورزی، جنگلداری و توریسم توانسته‌اند بیش از ۴۰ هزار فرانک سوئیس ارزش افزوده در ازای هر شغل کسب کنند و بهره‌وری نیروی کار در طول دو دهه‌ی گذشته واقعاً کاهش یافته است. سایر شعب اقتصادی در یک عرصه‌ی متوسط و محدود با ارزش افزوده حدود ۱۰۰ هزار فرانک سوئیس قرار دارند و تنها افزایش اندک در بهره‌وری کار (حدود ۱۵ درصد) رخ داده است [۷].

توزیع فضایی نابرابر این شعب منجر به تمرکز منطقه‌ای فعالیت‌های اقتصادی پویا، نوآورانه و با ارزش افزوده بالا شده است؛ فرآیندی که از اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ تشدید شده است. بازندگان این فرآیند فقط مناطق حاشیه‌ای نیستند بلکه به‌طور فزاینده‌ای مراکز کوچک و متوسط را هم شامل می‌شود [۸] و در نتیجه، فاصله‌ی میان درآمدهای منطقه‌ای به تدریج افزایش پیدا می‌کند. در سال ۱۹۹۹ درآمدهای سرانه در کانتون‌ها که کاملاً یا تا حدی در کمربندهای مسافرتی مناطق کلان‌شهری (زوریخ، ژوگ^۲، شویز^۳، گلاروس^۴، شاف‌هاوسن^۵، بازل و ژنو) قرار داشتند از رقمی بین ۵۰ تا ۸۰ هزار فرانک سوئیس در نوسان بود. نه تنها این رقم بالاتر از حد متوسط بود بلکه رشد بالای نامتناسبی را هم در طول دو دهه‌ی گذشته نشان می‌داد. در مقابل، درآمد سرانه در اکثر کانتون‌های دیگر حدود ۴۰

^۱-headquarterseconomy

^۲- Zug

^۳-Schwyz

^۴-Glarus

^۵-Schaffhausen

هزار فرانک بود که رشد متوسطی را نشان می‌داد. کانتون های والایس، ژورا و اوبوالدن^۱ به لحاظ درآمد سرانه و رشد در انتهای این رتبه‌بندی قرار گرفته بودند [۹].

چشم‌اندازهای شهری جدید

بازسازی بنیادین اقتصادی با تغییر و تحولات اساسی در روند شهری‌شدن همسو شد. الگوی شهری‌شدن که قبلاً به آن اشاره شد و دارای کمربندهای صنعتی غیرمتمرکز بود و از تجمعات در حال رشد با داشتن یک مرکز برخوردار بود، شروع به تجزیه کرد و الگوی متمایز و فوق‌العاده پیچیده شهری‌شدن ظهور کرد و چشم‌اندازهای شهری جدیدی را ایجاد کرد.

مناطق شهری چندمرکزی و شبکه‌ای نه تنها در مجاورت مراکز کلان‌شهری بلکه در اطراف شهرهای کوچک و متوسط شکل گرفتند. درحالی‌که بسیاری از شهرها پیشرفت‌های فرهنگی و اقتصادی جدیدی را تجربه می‌کردند، نواحی صنعتی و زیربنایی متروک/رهاشده به مکان‌های مطلوبی برای اقتصاد هدکوارتری و تخصص‌های شهری با درآمد بالا بدل شدند. در واقع توسعه‌ی همزمانی رخ داد که در آن مرکزیت به سمت پراکندگی [مراکز] سوق پیدا کرد. در کمربندهای حومه‌ی شهر و مناطق واسطه‌ی شهری تعریف نشده، مراکز جدید به صورت پراکنده با زیرساخت گسترده، مراکز خرید و مکان‌های سرگرمی شکل گرفتند و در برخی موارد مشاغل فوق تخصصی به وجود آمد. این مناطق تحت تأثیر شکل جدیدی از پویایی شهری بوده که به صورت غیرمتمرکز و محدود به خود اداره می‌شود و تقریباً همه فعالیت‌های روزمره تحت کنترل آن می‌باشد. در حواشی تجمعات بزرگ، چند شکل مختلف شهری‌شدن را هم می‌توان مشاهده کرد که نمی‌توان صرفاً با مفهوم روستا-شهری آن را توصیف کرد. منازل مجزا، امکانات مصرفی، کارگاه‌های صنعتی و کسب‌وکارهای خرد اطراف روستاها و شهرک‌ها در حال شکل گرفتن هستند و شبکه متراکمی از جابه‌جایی‌های پویایی را میان کمون‌ها خلق کرده‌اند.

نقشه‌های توسعه‌ی جمعیتی به‌طور دقیق این روابط پیچیده را نشان نمی‌دهد؛ زیرا آن‌ها صرفاً نشانگر مجموعه‌ی این رویه‌های گوناگون می‌باشند. با این حال مهم این است که بیشترین میزان رشد جمعیت عمدتاً در کناره‌های تجمعات اصلی دیده می‌شود. به‌طور کلی فرآیند شهری‌شدن به طرز فزاینده در حال از دست دادن حدفاصل‌های خود است و نیز غیرهذفمند و پراکنده می‌باشد و کل سرزمین را پوشش می‌دهد. شهری‌شدن کامل سوئیس به واقعیت بدل شده است [۱۰].

یادداشت‌ها

[1] - See Roger Diener, Jacques Herzog, Marcel Meili, Pierre de Meuron and Christian Schmid, Switzerland—An Urban Portrait, Volume 2: Borders, Communes—A Brief History of the Territory (Basel: Birkhäuser, 2006).

[2] - François Walter, La Suisse urbaine, 1750–1950 (Geneva: Éditions Zoé, 1994) 52.

[3] - For the following section, see Alain Lipietz, “New Tendencies in the International Division of Labor: Regimes of Accumulation and Modes of Regulation,” Production, Work, Territory: The Geographical Anatomy of Industrial Capitalism, eds. Allen J. Scott and Michael Storper (London: Allen & Unwin, 1986) 16-40; and Alain Lipietz, La société en sablier: le partage du travail contre la déchirure sociale (Paris: La Découverte, 1996); as well as Hansruedi Hitz, Christian Schmid, and Richard Wolff, “Boom, Konflikt und Krise: Zürichs Entwicklung zur Weltmetropole,” Capitaless Fatales: Urbanisierung und Politik in den Finanzmetropolen Frankfurt und Zurich, ed. Hansruedi Hitz, Roger Keil, Ute Lehrer, Klaus Ronneberger, Christian Schmid and Richard Wolff (Zurich: Rotpunktverlag, 1995) 208- 82; Christian Schmid, “A New Paradigm of Urban Development for Zurich,” The Contested Metropolis: Six Cities at the Beginning of the 21st Century, eds. INURA and Raffaele Paloscia (Basel: Birkhäuser, 2004) 237-46.

[4] - On the “quiet zones,” see Christian Schmid, “A Typology of Urban Switzerland,” this book, Ch. 26.

[5] - Lipietz, La société en sablier.

^۱-Obwalden

[6] - See Patrick Dümmler, Christof Abegg, Christian Kruse, Alain Thierstein, Institut für Raum und Landschaftsentwicklung (IRL) ETH Zurich, Standorte der innovativen Schweiz: Räumliche Veränderungsprozesse von High-Tech und Finanzdienstleistungen (Neuchâtel: Bundesamt für Statistik, 2004).

[7] - Neue Regionalpolitik (NRP), Schlussbericht der Expertenkommission zur Überprüfung und Neukonzeption der Regionalpolitik (Zurich: 2003) 34.

[8] - See Martin Schuler, Manfred Perlik and Natascha Pasche, Nichtstädtisch, rural oder peripher – Wo steht der ländliche Raum heute? Analyse der Siedlungs und Wirtschaftsentwicklung in der Schweiz (Bern: Bundesamt für Raumentwicklung, 2004) 10.

[9] - NRP, Überprüfung und Neukonzeption der Regionalpolitik, 26.

[10] -See Christian Schmid, “Traveling Warrior and Complete Urbanization in Switzerland,” this book, Ch. 6.